

حریم خصوصی در کلام و سیره امام علی

تاریخ دریافت: 90/6/11 تاریخ تأیید: 90/8/28

معصومه عامری*

زهرا عامری**

حق حریم خصوصی از اصول ارزشمند حقوق بشر می‌باشد. امام علی به عنوان الگوی حاکم شایسته برای دولتمردان و هم در دوران حکومت خویش و هم در غیر آن، به مسئله پاسداشت حریم خصوصی پرداخته و از برترین منادیان حقوق بشر و عاملان به آن می‌باشد. بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که در کلام امام، از اصطلاح حریم خصوصی یاد نشده و امام، رویکردی تحول‌گرایانه نسبت به آن داشته و از حریم خصوصی در قالب حقوق دیگر حمایت نموده است. بررسی کلام و سیره امام علی درباره حق حریم خصوصی، برای ارائه الگویی شایسته که قادر است راهکارهای مناسبی را در این حیطة بیان نماید و بتواند با حفظ دینی بودن نظام، به فرد به عنوان یک انسان فارغ از عقیده بنگرد و نه تنها حقوق بشر، بلکه حقوق شهروندی را نیز مورد حمایت قرار دهد و در سایه‌گستر این حکومت، همه افراد با هر مسلک و عنوانی از امنیتی کامل و همه جانبه برخوردار باشند، به عنوان یک ضرورت احساس می‌گردد. که این مقاله کوشش میکند موضوع فوق را در کلام و سیره امام علی جست و جو و تحلیل نماید.

واژه‌های کلیدی: حریم خصوصی، حریم عمومی، حکومت علوی، امام علی، کلام امام، سیره

* دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران.

** دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران.

امام .
مقدمه

انسان به عنوان انسان از یک سو استقلال فردی دارد و از طرف دیگر به اعتبار آنکه در جامعه و در ارتباط با دیگران زندگی می‌کند، موجودی اجتماعی است. این طبیعت دو گانه انسان از یک طرف از هم جدا و از سوی دیگر چنان به هم پیوسته است که گریزی از جمع بین این دو نیست و جامعه، ناگزیر از پذیرش استقلال فردی و پایبندی به التزامات ناشی از این استقلال است. در این راستا حقوقی به انسان تعلق می‌گیرد که حافظ شأن انسانی او و موجب امنیت روانی است. یکی از این حقوق برجسته، حق حریم خصوصی است. هر کسی برای خود، مسائل صد در صد خصوصی دارد که شرط لازم، سرّی بودن و عدم افشای آن است، عدم افشای مسائل خصوصی در اجتماع به صورت حق، متجلی و افراد مکلف به رعایت آن هستند. ورود به زندگی خصوصی افراد به هر شکل، از نظر اخلاقی مذموم و از نظر قانونی موجب مسئولیت است.

در حالی که کشورهای غربی در اوایل دهه 1900 شناسایی این حق را به تبعیت از مقاله تأثیرگذار شرکای حقوقی - لوئیس براندیس و ساموئل وارن وⁱⁱ با عنوان «حق حریم خصوصی»ⁱⁱⁱ آغاز نمودند، حمایت از این حق و عدم مداخله در حریم شخصی دیگران در 1400 سال پیش از این، در آموزه‌های ارزشمند اسلام مورد توجه قرار گرفت. در آیات قرآن کریم، سنت پیامبر و ائمه اطهار و سیره مسلمانان می‌توان توصیه‌های فراوانی را در پرهیز از



i. Louis D. Brandeis.
ii. Samuel D. Warren.
iii. The Right to privacy.

نقض مصادیق مختلف حریم خصوصی یافت. البته این اصطلاح نه در آیات قرآن و نه در روایات اسلامی استفاده نشده و موضع اسلام در مواجهه با مقوله حریم خصوصی، يك موضع به اصطلاح تحویل‌گرایانه است. یعنی حریم خصوصی در قالب احاله به حقوق و آزادی‌های دیگر؛ نظیر حق مالکیت، حق آزادی از تجسس و حق غیر قابل تعرض بودن حقوق مربوط به شخصیت انسان مورد حمایت قرار گرفته است.^۲ رایج‌ترین اصطلاحاتی که در آیات و روایات اسلامی درباره حریم خصوصی به کار رفته‌اند، بدین شرحند: ممنوعیت تجسس و عیبجویی از مردم، ممنوعیت سوءظن، ممنوعیت غیبت، ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان و مواردی از این قبیل.^۳

مقاله پیش‌رو با مد نظر قرار دادن این موضع تحویل‌گرایانه اسلام در باب حریم خصوصی در پی آن است تا جایگاه این حق را در کلام و سیره اسوه‌ترین حاکم اسلامی - امام علی □ باز شناسد.

مطالعه گفتار و سیره امام آشکار می‌سازد که وی مبنای کرامت انسانی را چه می‌داند و بر این اساس، میزان دخالت حکومت در حریم شخصی افراد را تا چه میزانی جایز می‌شمرد.

1. چالش‌های مفهومی در تعریف حریم خصوصی

در حال حاضر در ارائه یک تعریف جهانی واحد از حریم خصوصی، توافقی وجود ندارد، اما به این منظور، کوشش‌های زیادی صورت گرفته است. فلاسفه، نظریه‌پردازان حقوقی و قضات، همواره از دشواری ارائه تعریف اقناع‌کننده از حریم خصوصی شکوه کرده‌اند. برای مثال، برخی صاحب‌نظران درباره تعریف حریم خصوصی این چنین اظهارنظر کرده‌اند:



آرتور میلر:ⁱ «تعریف حریم خصوصی دشوار است؛ زیرا حریم خصوصی، مفهومی بسیار مبهم و شکننده است».

ویلیام بی نی:ⁱⁱ «حتی جدی‌ترین مدافعان حریم خصوصی باید اعتراف کنند که مشکلات جدی در تعریف ذات و قلمرو این حق وجود دارد».^۳ برای دستیابی به یک تعریف جامع و شایسته از حریم خصوصی بایستی ابتدا رویکردهای مرتبط با حریم خصوصی را مورد بررسی و نقد قرار داد. در این راستا نخست به بررسی رویکردهای مخالفان حریم خصوصی پرداخته و نظرات آنان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

1.1. رویکردهای مخالفان

در این زمینه، برخی نظریه‌پردازان اصولاً وجود حریم خصوصی را قابل قبول نمی‌دانند. برخی دیگر، آن را فقط به منزله یک منفعت در نظر می‌گیرند و عده‌ای دیگر، آن را ذیل حق‌های دیگر مورد بررسی قرار می‌دهند. چندین توصیف خطرناک و شکاک از حریم خصوصی وجود دارند که ذیلاً برخی از آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

مکتب تقلیلی تامسون

مکتب تقلیلی به حریم خصوصی نگاهی تنگ‌نظرانه دارد و آن را به عنوان یک حق مستقل در نظر نمی‌گیرد و با رویکردهایی که حریم خصوصی را به عنوان یک حق مستقل شایسته حمایت می‌داند، به شدت مخالفت می‌نماید. احتمالاً مشهورترین دیدگاه تقلیلی حریم خصوصی، یک نظریه از «جو دیس جرویس تامسون»ⁱⁱⁱ است. تامسون، شماری از دعاوی که

i. Arthur Miller.
ii. William Beaney.
iii. Judith Jarvis Thomson.

گفته شده بود برای حریم خصوصی خطرناکند،
 را شرح می‌دهد. وی معتقد است تمام این
 دعاوی می‌توانند به طور مناسب و یکجانبه به
 عنوان تجاوز به حقوق مالکیت یا حقوق مربوط
 به اشخاص شرح داده شوند؛ آن چنان که حریم
 خصوصی به عنوان یک حق در نظر گرفته نشود.^۵
 به نظر می‌رسد قرار دادن حریم خصوصی تحت
 حق مالکیت و یا حق امنیت جسمی به طور کامل
 پاسخگو نیست. فردی که مورد تفتیش عقاید
 قرار می‌گیرد را در کدامین گزینه باید قرار
 داد؟ او مالک عقاید خویش است، اما با
 افشای آن، این مسئله که او خالق این عقیده
 و در حقیقت، مالک آن است، مخدوش نمی‌شود.
 از سویی دیگر، وقتی او با تهدید علیه آبرو
 و یا مالش مجبور به افشای عقاید خود
 می‌شود، حق امنیت جسمی او مورد تعرض قرار
 نگرفته است.

دیدگاه بورک

منتقد سرسخت دیگر حریم خصوصی، «روبرت
 بورک»ⁱ است. کسی که قصد داشت در نقدش ابراز
 ابراز کند که حق اساسی حریم خصوصی توسط
 دادگاه عالی در سال 1965 استقرار یافته
 است. دیدگاه عمده بورک این است که قاضی
 ویلیام دوگلازⁱⁱ در دعوی «گریس ولد» علیه
 «کانکتیکوت»ⁱⁱⁱ در دادگاه عالی، حق حریم
 خصوصی را از برخی از حقوق از پیش موجود یا
 از قانون طبیعی مشتق نمی‌کند، بلکه او صرفاً
 یک حق جدید حریم خصوصی را، بدون داشتن
 مبنایی در قانون اساسی یا اصلاحیه قانون
 اساسی آمریکا خلق کرد. وی معتقد است: حق

i. Robert Bork.

ii. William O. Douglas.

iii. Griswold v. Connecticut.



حریم خصوصی صرفاً چیزی است که اکثریت قضات خواستند تحت عنوان حقی جدید، آن را خلق کنند و بنابراین با خلق این قانون جدید از وظایفشان به عنوان قضات که بایستی صرفاً به تفسیر قانون بپردازند، تخطی کردند. انتقاد بورک بر حریم خصوصی به این لحاظ که حقی جدید و نوظهور است و بر این اساس قابل پذیرش نیست، نمی‌تواند مقبولیت داشته باشد. جامعه بشری در سیر تکاملی خویش و بنا به مقتضیاتی که پیش روی اوست، به ایجاد حقوق و قوانینی دست می‌زند که مورد نیاز شهروندان است و این مطلب که حقوق و قوانین تئمه و از مشتقات حقوق و قوانین پیشین باشند و یا اینکه کاملاً ابداعی باشند، مبنایی برای تمایز در ارزش و اهمیت وجودی آنها نیست، کما اینکه قبول این نظریه به واپس ماندگی جامعه حقوقی در مقابل نیازهای جامعه می‌انجامد.

2. 1. رویکردهای موافقان

نظریه پردازان موافق حریم خصوصی، هر یک، از جنبه‌ای متفاوت به دفاع از این حق پرداخته و آن را در قالب چارچوب فکری خود پردازش نموده‌اند. در این مبحث، به تعریف حریم خصوصی از جنبه‌های ذیل پرداخته می‌شود:

حریم خصوصی و کنترل بر اطلاعاتⁱ

رشد سریع فناوری اطلاعات و دسترسی آسان به اطلاعات خصوصی افراد، زندگی امروز بشر را دستخوش مخاطره نموده است. افراد به مدد تکنولوژی‌های ارتباطی می‌توانند به خصوصی‌ترین اطلاعات گردآوری شده پیرامون دیگران دست یابند. «آلن وستین»ⁱⁱ، حریم

i. Privacy and Control over Information.

ii. Alan Westin (1967).

خصوصی را به «عنوان قدرت تشخیص خودمان، که چه زمانی، چگونه و به چه میزان اطلاعات پیرامون ما به دیگران منتقل می‌شود، تعریف کرد».^۱

حریم خصوصی و شأن انسانیⁱ

«ادوارد جی. بلوستین»ⁱⁱ در مقاله ارائه شده شده خود در بررسی مقاله وارن و براندیس اعلام می‌دارد که یک رشته معمول، در دعاوی حقوقی متنوع حمایت کننده از حریم خصوصی وجود دارد. بلوستین معتقد است که وارن و براندیس در ارائه یک توصیف واقعی از حریم خصوصی شکست خوردند، آن‌ها تصریح کردند که یک ارزش ساده مرتبط با منافع حریم خصوصی وجود دارد، ارزشی که آن‌ها، آن را «شخصیت مقدس»ⁱⁱⁱ نامیدند. بلوستین ابراز می‌دارد که می‌توانیم یک نظریه عام حریم خصوصی فردی که با سایر حقوق ناهمگون نیز تطبیق می‌کنند، ارائه دهیم که مبنای آن، ارزش اجتماعی فردیت مقدس حمایت شده توسط حریم خصوصی است.^۷ در واقع، او با این بیان، نظریه وارن و براندیس را تکامل بخشید و آن را از صرف تک فردی بودن به جامعه سرایت داد.

3.1. تعریف حریم خصوصی

با عنایت به رویکردهای متفاوت موافقان حریم خصوصی، بدیهی است که ارائه تعریفی جامع و مانع از حریم خصوصی، امری دشوار است، لکن به نظر نویسندگان مقاله حاضر، با در نظر گرفتن برداشتهای متفاوت از حریم خصوصی، تعریف زیر از مقبولیت بیشتری برخوردار است: «حریم خصوصی، حقی نسبی و

i. Privacy and Human Dignity.

ii. Edward J. Bloustein. (1964).

iii. inviolate personality.

قلمروی از زندگی اشخاص است که یک انسان متعارف بر مبنای حفظ شأن و کرامت انسانی، با درک نیازهای جامعه، تجاوز به آن را جایز نمی‌شمارد».^۸

2. ابعاد و مختصات حریم خصوصی در کلام و سیره امام علی[ؑ]

جامعه اسلامی در چارچوب برنامه و جهت‌گیری امام علی[ؑ]، مجتمعی است متشکل از برادری و برابری و بزرگواری. نظم و شیوه‌هایی که امام وضع می‌کرد، در واقع در چارچوب قرآن و در پرتو آن بود. یعنی با استفاده از حاکمیتی که توانست - به وسیله هماهنگی با واقعیت- آیین‌های اسلام را به شیوه عملی آسانی تبدیل کند و زندگی روزمره شهروندان را بر طبق سنت‌ها و قواعد آن به جریان اندازد. امام، هدف از پذیرش حکومت و وظیفه حاکم اسلامی را بر می‌شمرد و مردم را به حقوق و تکالیف خویش آگاه می‌نمود. جامع‌ترین بیان امام در این باب، نامه امام است به مالک اشتر- کارگزارش در مصر- هنگامی که او را مأمور به تشکیل دولت در مصر می‌نماید. حاکم مسلمانان در نامه خویش به مالک دستور می‌دهد تا خراج آن دیار را جمع آورد و با دشمنانش نبرد کند و کار مردم را اصلاح و شهرهای مصر را آباد سازد.^۹ علی[ؑ] در این عهد نامه، وظایف حاکم را متذکر می‌شود و آن را الگویی می‌داند که حاکم موظف است به آن پایبند باشد. هدف علی[ؑ] از بیان این دستورات، ارائه حکومتی است که در عرصه آن، مؤمن به راه حقش ادامه دهد و کافر بهره‌مند از زندگی گردد و به وسیله آن، غنائم جمع گردد و توسط او جنگ با دشمن سامان گردد و راه‌ها به سبب او امن گردد و در امارت وی، حق ناتوان گرفته شود تا مؤمن نیکوکار راحت



شود و مردم از شر بدکار در امان گردند. آنچنان که آشکار است، وظایفی که امام برای حاکم بر می‌شمرد، در چارچوب حریم عمومی قابل اعمال است و نیل به این اهداف و نیز ایفای وظایف حاکم نیازمند ورود حاکم به حریم خصوصی افراد نیست. شایان ذکر است که اصطلاح حریم خصوصی در کلام امام استفاده نشده و موضع ایشان با تاسی از رویکرد اسلام، تحویل‌گرایانه است؛ یعنی از ماهیت و محتوای حریم خصوصی حمایت شده است؛ بدون آنکه نامی از آن برده شود. در این گفتار ابتدا به حریم خصوصی در کلام امام پرداخته می‌شود و در بند دوم، حریم خصوصی در سیره امام مد نظر قرار می‌گیرد.

1. 3. حریم خصوصی در کلام امام
 امام، پیشوایی بزرگ در ادب بود و نشانه اعجاز ادبی امام، کتاب **نهج البلاغه** است که بر اساس بلاغت عرب برخاسته؛ چنانکه قرآن در استواری برتر طی سیزده قرن بر همین بنیان برخاسته است. علی، بلاغت بیان عربی را از گذشته بر روزگار خویش پیوند داد و زیبایی‌های سبک روشن پیش از اسلام را که با سلامت فطرت صحرایی عرب همراه بود، همراه با روش پاک و مصفای ادب اسلامی، که متضمن پاکیزگی فطرت و منطق استوار آسمانی است، هماهنگ ساخت.^{۱۰} و در این سیر، **نهج البلاغه** را خلق کرد. در این مبحث، عمده‌ترین مبنای پژوهش، **نهج البلاغه** و **غرر الحکم** می‌باشد. لکن تلاش بر این بوده است که اکثریت منابع معتبر مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و از منابع مهم تاریخی نیز غفلت نشود. در این مقوله، دو دسته عمده را می‌توان برشمرد: نخست، از مصادیق فردی یاد می‌شود

که به شخص به صرف انسان بودنش تعلق می‌گیرد. از آن جمله می‌توان به مصادیق بدنی، روانی و عقیده اشاره نمود که این موارد، از سوی نویسندگان حاضر در کلام امام مورد تدقیق قرار گرفته شده است. دوم، به متعلقات فردی در قالب دو دسته متعلقات مادی (دارایی) و متعلقات معنوی (اسرار) پرداخته می‌شود.

الف) مصادیق فردی

1. حریم بدنی

از مهم‌ترین مصادیق حریم جسمانی انسان، حریم بدنی اوست که هم در دوران حیات فرد و هم پس از حیات متصور می‌گردد. حفظ حریم خصوصی بدن در دوران پس از حیات، به شکل مصون ماندن از مُثله شدن، تاخت و تاز، و تجاوز نسبت به آن قابل تجسم است. عبد الرحمان بن جنذب ازدی به نقل از پدرش گوید: در هر جنگی که همراه علی با دشمنی روبه رو می‌شدم، به ما دستور می‌داد و می‌گفت: «چون با دشمن جنگیدید و هزیمتشان کردید، فراری را مکشید، زخمی را بی‌جان مکنید، عورتی را عیان مکنید، کشته‌ای را اعضا نبرید». «علی در بحبوحه جنگ نیز حقوق انسانی دشمن را رعایت کرده و حریم بدنی‌اش را مورد احترام قرار داده است. حق حیات از مهم‌ترین حقوق متعلق به حریم شخصی افراد است که علی به یاران خویش دستور داده این حق را در خصوص فراریان محترم شمرند و حیات زخمیان را نیز به دیده احترام بنگرند. در این راستا برای مردگان نیز حریم خصوصی متصور می‌گردد و اجازه نمی‌دهد یارانش نسبت به این حق تعدی نمایند. آنان را از عیان نمودن شخصی‌ترین اعضای بدن مردگان دشمن بر حذر می‌دارد و



اجازه نمی‌دهد که در هیچ حالتی، یارانش به بریدن اعضاء دشمن دست یازند. رعایت این حق در مورد زندگان و مردگان دشمن و نیز در صحنه جنگ، نمودار اعتقاد راسخ علی □ به حق حیات و حریم خصوصی افراد می‌باشد که به انسان به صرف انسان بودنش تعلق می‌گیرد.

2. حریم روانی

از دیگر مصادیق صرفاً فردی، حریم روانی است که جولانگاه آن، ساحت روح و روان بشر است. رعایت این حق به فرد آرامش روحی می‌دهد و به امنیت روانی وی کمک شایانی می‌کند. احترام به این بُعد از حریم خصوصی، نشان از خصائل والای معنوی و اخلاقی افراد دارد که باعث می‌گردد جامعه به سوی اعتماد و همزیستی مسالمت آمیز گام بر دارد. در این خصوص موارد ذیل قابل توجه است:

اول، نهی غیبت. حفظ حیثیت و آبروی افراد از جمله حقوق مربوط به شخصیت انسان می‌باشد و هر چیزی، آن را به خطر اندازد، مانند آن است که جان فرد را به خطر انداخته و بلکه گاه ترور شخصیت از ترور شخصی مهم‌تر است. همچنان که به فرمایش امام صادق □، آبروی مؤمن از آبروی کعبه بالاتر است.^{۱۲} شارع اسلام از این جهت از غیبت نهی فرموده که: «غیبت، اجزای مجتمع بشری را یکی پس از دیگری فاسد می‌سازد. در اثر غیبت، افراد حسّ منفی به هم پیدا می‌کنند، با یکدیگر قطع رابطه کرده و در نتیجه، جدایی افراد در سطح جامعه حاصل می‌شود. پس غیبت در حقیقت، ترور هویت و شخصیت اجتماعی افراد است.^{۱۳} امام □، در مسند حاکم جامعه اسلامی، مردم خویش را از غیبت کردن بر حذر می‌دارد، و آن را نشانه دورویی می‌شناسد.^{۱۴} امام می‌کوشد تا مردم خود را از داشتن این صفت رذیله بر کنار دارد و از



آنان می‌خواهد که خود را به بدگویی عادت ندهند؛ از آن رو که معتاد به غیبت، گناهِش بزرگ است.^{۱۵} امام تا آن حد، غیبت را ناپسند می‌شمارد که غیبت کننده را فاقد شخصیت می‌داند^{۱۶} و آنان را پست‌ترین مردم می‌داند^{۱۷} و ابراز می‌دارد: خوی بدکاران، زشتی غیبت است.^{۱۸} امام تا آن درجه این عمل را مذموم می‌شمارد که غیبت کننده را دشمن‌ترین مردم نزد خدا می‌داند^{۱۹} و به مخاطبان توصیه می‌فرماید که از غیبت بپرهیزید که خدا و مردم را با شما، دشمن و پاداشتان را از بین می‌برد.^{۲۰} امام، گوینده و شنونده را در یک مقام می‌انگارد و به این ترتیب، نه تنها غیبت کننده را بر حذر می‌داند، بلکه برای ممانعت از این عمل، شنونده غیبت را نیز در جرم شریک می‌داند.^{۲۱} علی بن ابی طالب[ؑ]، غیبت و سخن گفتن در پشت سر مردم را تقبیح می‌نماید؛ زیرا این خوی در واقع شعبه‌ای از دورویی و زشتی و تباهی است و آن را خوراک سگ‌های دوزخ^{۲۲} و تلاش ناتوان^{۲۳} می‌شمارد. تلاش فردی که قادر به ارضای احساس سودبخشی خود نیست و در پی آن است تا لیاقت و ارزش‌های دیگران را نادیده انگارد و در نزد دیگران نیز آن را ناچیز شمرد. امام، غیبت کننده را دارای ظرفی می‌داند که در آن ظرف به پلیدترین و نجس‌ترین چیزهایی که دارد، می‌نگرد و آن را در ظرف شنونده غیبت خالی می‌کند.^{۲۴} علی[ؑ] برای حفظ شأن افراد در غیاب آن‌ها و نیز عدم مداخله افراد در حریم خصوصی یکدیگر، این عمل مذموم را به شدت محکوم نموده و آن را تعدی به حریم شخصی فردی می‌داند که بدون اجازه او سخن رفته است. نوف بکالی، یکی از اصحاب خاص امیرالمؤمنین است، می‌گوید: در نزدیکی مسجد

کوفه خدمت امام رسیدم و عرض کردم: پندی به من بدهید. حضرت فرمود: خوبی کن تا با تو خوبی کنند. گفتم: یا امیرالمؤمنین، بیفزای، فرمود: رحم کن تا به تو رحم کنند، خوب بگو تا به خوبی یادت کنند، از غیبت اجتناب کن که غذای سگان دوزخ است، سپس فرمود: ای نوف، دروغ گفته آن کس که گمان دارد حلال زاده است و به غیبت کردن، گوشت مردم را می‌خورد.^{۲۵}

دوم، ممنوعیت تجسس و نهی عیبجویی از مردم. علی[ؑ]، مردم را دور از عیب نمی‌داند، ولی با این وجود می‌خواهد که آنان یکدیگر را به نیکی یاد نمایند و ابتدائاً به عیوب خویش پردازند و برای اینکه فرد را از توجه به عیوب و نواقص دیگران و غفلت از عیوب خویشان باز دارد که هر دو جنبه مثبت و منفی آن موجب بدی اخلاق و تغییر روش زندگی می‌گردد، می‌فرماید: «بزرگترین عیبها آن است که از چیزی بد بگویید که خود همانند آن را دارید». بدین ترتیب اگر در عیب خویشان بنگرید، از نقص و عیب دیگران باز می‌مانید.

علی[ؑ] کسی را که به غیر خود سرگرم و به دیگران مشغول است را خائن می‌داند^{۲۶} و به مخاطب توصیه می‌کند که از جویاگران عیوب مردم دوری گزیند؛ زیرا که دوست اینان نیز از زبانشان سالم نماند^{۲۷} و می‌خواهد که مردم در خصوص عیوب یکدیگر با بردباری رفتار کنند؛ چرا که خداوند متعال در این باب این‌گونه است.^{۲۸} ایشان، حفظ آبرو و پوشیدن عیوب دیگران را نشانه جوانمردی^{۲۹} و موجب سربلندی^{۳۰} می‌داند و تضمین می‌دهد که عیوب دیگران را بپوشان تا خداوند عیبی را که دوست داری آشکار نشود، بر تو بپوشاند.^{۳۱} در

واقع، نتیجه پوشاندن عیوب دیگران به خود فرد بر میگردد و او را از افشای عیوبش مصون میدارد. از جنبه اجتماعی نیز جامعه ره اصلاح می‌پوید و افراد به جای تجسس در امور افراد و صفات آنان به خویشتن می‌پردازند و حریم خصوصی افراد مصون از ارزیابی می‌ماند.

امام در خطبه‌ای مجزا در نهج البلاغه می‌فرماید:

«به کسانی که گناه ندارند و از سلامت دین

برخوردارند، رواست که به گناهکاران ترحم کنند و شکر این نعمت گزارند که شکرگزاری، آنان را از عیبجویی دیگران بازدارد؛ چرا و چگونه آن عیبجو، عیب برادر خویش گوید و او را به بلایی که گرفتار است سرزنش کند؟ آیا به خاطر ندارد که خدا چگونه او را بخشید و گناهان او را پرده‌پوشی فرمود؟ چگونه دیگری را بر گناهی سرزنش می‌کند که همانند آن را مرتکب شده یا گناه دیگری انجام داده که از آن بزرگتر است؟ به خدا سوگند! گرچه خدا را در گناهان بزرگ عصیان نکرده و تنها گناه کوچک مرتکب شده باشد، اما جرأت او بر عیبجویی از مردم، خود، گناه بزرگتری است. ای بنده خدا! در گفتن عیب کسی شتاب مکن. شاید خدایش بخشیده باشد و بر گناهان کوچک خود ایمن مباش. شاید برای آنها کیفر داده شوی! پس هر کدام از شما که به عیب کسی آگاه است، به خاطر آنچه که از عیب خود می‌داند، باید از عیبجویی دیگران خودداری کند و شکرگزاری از عیوبی که پاک است او را مشغول دارد از اینکه دیگران را بیازارد.^{۳۲}

ارزشمندترین بیان امام پیرامون این مهم که جنبه الزامی دارد، فرمان ایشان به مالک اشتر است. امام به مالک فرمان می‌دهد: «اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود یا خواسته و ناخواسته اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشی و بر آنان آسان‌گیر؛ آن‌گونه که دوست داری خدا



تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد. همانا تو از آنان برتر و امام از تو برتر. خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر داد، والاتر است که انجام امور مصر را به تو واگذارده و آنان را وسیله آزمودن تو قرار داده است».^{۳۳} امام در این نامه تأکید می - فرماید که خطای انسان‌ها، خواه عمدی باشد و خواه سهوی، نباید موجب پایمال شدن حقوق انسانی آنها شود و حتی در صورت ارتکاب لغزش، ترجیح و وظیفه اصلی حاکم، بخشش و گذشت است؛ زیرا همان طور که خود دوست دارد، حتی درباره خطای عمدی، مورد عفو و رحمت خداوند واقع شود، خود وی نیز باید بر لغزش‌های مردمان خطاکار قلم بخشش و رحمت بکشد.

لذا از نظر علی □، اگر حاکمی از محبت و لطف به مردم دریغ ورزد، حرمت و کرامت آنها را پاس ننهد و آنان را در زمان خطاکاری مورد عفو قرار ندهد، گویی به جنگ با خداوند پرداخته است؛^{۳۴} چرا که در ادامه همین بیان می‌فرماید:

از رعیت، آنان را که عیب‌جو ترند، از خود دور کن؛ زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است. پس مبادا آنچه بر تو پنهان است، آشکار گردانی و آنچه هویداست بپوشای که داوری در آنچه از تو پنهان است با خدای جهان می‌باشد. پس چندان که می‌توانی زشتی‌ها را بپوشان تا آن را که دوست‌داری بر رعیت پوشیده ماند، خدا بر تو بپوشاند».^{۳۵}

اکنون باید پرسید آیا منظور امام از مردم، صرفاً مؤمنان و شیعیان هستند؟ یا همه انسان‌ها؟ تردید نباید کرد که مقصود امام، همه مردمان‌اند؛ زیرا او نوع انسان را دارای کرامت ذاتی می‌داند؛ حتی اگر دچار لغزش و خطا شده باشد، و به مالک گوشزد می -

کند: «مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند».^{۳۶} امام در این فراز، کارگزار خویش را امر می‌کند که در دستگاه حکومتی‌اش از حضور عیبجویان توده ممانعت نماید، از تبعات این امر این است که آنان را در امور مملکتی دخالت ندهد و آنان را صاحب منصب ننماید؛ چرا که وظیفه حاکم صرفاً اصلاح مردم است و وی در خصوص عیوب پنهان وظیفه‌ای ندارد. عیبجو مدام در پی نمایاندن زشتی‌های مردم است و اگر حاکم دارای این مذمت اخلاقی باشد، توده هر زمان حریم خصوصی‌اش را در معرض تهدید می‌بیند و امنیت و اعتماد عمومی از بین خواهد رفت. به علاوه، اراده اسلام به این تعلق نگرفته که مردم را از جهت همه زشتی‌های آشکار و پنهان مجازات نماید؛ زیرا این کار، حکومت اسلامی را از پرداختن به سازندگی و تعامل میان دولت و ملت و امور مهم‌تر باز می‌دارد، از این رو، مبارزه با گناهان پنهان را به تعلیم و تربیت صحیح موکول نموده است. در هر صورت، امام در این فراز از عهد نامه بر چهار امر تأکید دارد: اول اینکه: افراد عیبجو نباید جزء مصادر حکومتی و از نزدیکان حاکم در تصمیم‌گیری باشند؛ دوم اینکه: حاکم باید حتی المقدور عیوب مردم را آشکار نکند و نسبت به آنها تغافل داشته باشد؛ سوم اینکه: نسبت به عیوب و خلاف‌های آشکار مردم بی‌تفاوت نباشد؛ زیرا خلاف‌های آشکار مانند مرض مسری است، اگر جلوش گرفته نشود، جامعه را آلوده و به سرایشب سقوط می‌کشاند، از این رو لازم است حاکم، جلوی عیوب آشکار را بگیرد و جامعه را از آلودگی‌ها پاک سازد؛ چهارم اینکه: نه سعی در گشودن عقده‌های مردم داشته باشد، نه عجله در کیفر آنها؛ چرا که عقده‌ها چه بسا



موجب خلاف می‌شود و چه بسا بسیاری از گزارش‌ها واقعیت ندارد.^{۳۷} درست است که همه مسلمین وظیفه دارند عیوب مردم را بپوشانند، لکن حاکم اسلامی در این زمینه، وظیفه بیشتری دارد؛ چرا که او به منزله پدر مهربان مردم است و باید بیش از دیگران نسبت به عیوب مردم پرده‌پوشی داشته باشد تا حرمت‌ها محفوظ بماند و پرده‌ها حتی المقدور، دریده نشود و اعتماد متقابل حاکم و ملت باقی بماند و به روابط اجتماعی و اعتماد عمومی لطمه وارد نگردد.

3. حریم عقیده

از نمادهای تجویز آزادی فکر و اندیشه و حفظ حریم خصوصی عقیده در آرای امام علی □، اجازه‌ای است که به مخالفین خود داد تا در تصورات و اندیشه‌های خود و راه و روش انتخابی خویش آزاد باشند. بدین ترتیب که نخست اندیشه و بررسی نمایند و سپس به آنچه که تشخیص داده‌اند، عمل نمایند. در واقع، امام اجازه می‌داد که مخالفان وی آزادانه فکر کنند و سپس راهی را انتخاب نمایند که آزادی و تفکر و عقیده در پیش پای آنان گذاشته و بینش مستقل و دور از هر گونه فشار و اجباری، به آن رهنمون گشته است و در این نیل از تجسس و تفتیش عقیده مصون باشند. □، آزادی عقیده را که از ملزومات اساسی حریم خصوصی عقیده است تا بدان جا مورد عنایت قرار می‌دهد که می‌فرماید: اگر بالشی بگذارند که من بر آن بنشینم، در میان پیروان تورات با توراتشان و در میان پیروان انجیل مطابق انجیلشان و در بین اهل قرآن با قرآن‌شان حکم و داوری کنم، تا هر کدام از جانب خود بگویند علی راست می‌گوید و در مورد مسیحیان فرمود: هر



کس پیرو انجیل را بیازارد، مرا آزرده است و درباره همه گروه‌های غیر مسلمان که در پناه جامعه اسلامی به سر می‌برند، فرمود: دارایی و خون آنان مانند دارایی و خون ما محترم خواهد بود.

از موارد اساسی قانون در مکتب امام علی، این است که هیچ انسانی به سبب عقیده مذهبی خود مورد آزار قرار نگیرد. او هر مردمی را که در سایه حکومت عادلانه‌ای به سر می‌برند، مورد خطاب قرار داد و فرمود: بر هیچ یک از شما، مسلمان یا معاهد، ستم روا داشته نمی‌شود و از دستورات کلی و عمومی امام، به مجریان قانون است: «من به شما دستور می‌دهم که با اهل ذمه با عدالت رفتار کنید و داد مظلوم را بگیرید و بر ستم‌گر سخت‌گیری بنمایید و نسبت به توده مردم با گذشت و اغماض باشید و تا آنجا که می‌توانید، نیکوکاری بکنید»^{۳۸} و باز در همین زمینه است: «بر اهل قبله ستم مکن و بر اهل ذمه ظلم روا مدار»^{۳۹}. امام، این مهم را در مورد مخالفان خود نیز رعایت و این سخن ارج‌دار و بزرگ را به یاران و فرزندان خود گوشزد می‌نماید: «پس از من با خوارج نبرد نکنید؛ زیرا کسی که در جست‌وجوی حق بوده و خطا کرد مانند کسی نیست که طالب باطل بوده و آن را یافته است»^{۴۰}.

ب) متعلقات فردی

پس از بررسی مصادیق دسته اول که در برگیرنده مصادیق صرفاً فردی بود، به مطالعه دسته دوم که در بردارنده متعلقات فردی است، پرداخته می‌شود. افراد بشر برای تأمین نیازهای خویش و برای بهره‌وری از حیات مادی خود نیازمند تملک حداقل امکانات می‌باشند. امکاناتی که به خود آن‌ها تعلق داشته باشد

و بتوانند هرگونه دخل و تصرفی در آن داشته باشند و از دستبرد دیگران در امان باشد. این متعلقات در دو دسته قرار می‌گیرد: دارایی‌ها که به متعلقات مادی می‌پردازد و دیگری اسرار که از متعلقات معنوی است.

1. دارایی

تمام آنچه که یک فرد دارد، دارایی اوست. در این مبحث، دو مقوله مهم دارایی، یعنی مسکن و کار در دوران امام مورد مطالعه قرار می‌گیرد و بر این مبنا گزینش می‌شود که موارد فوق، دو قلمرو بسیار مهم و عمده را در برگرفته و باقی اموال و دارایی‌ها در چارچوب این دو حیطة گنجانیده میشوند. اول. مسکن: از ابتدایی‌ترین و سنتی‌ترین حق افراد، حریم خصوصی مسکن است. مسکن، محل سکنی گرفتن، آرامش و امنیت همه جانبه انسان و محفوظ ماندن از دید و تجسس سایرین است. مراد از حریم خصوصی مسکن این است که اجازه داده نشود به منزل و مسکن افراد، کسی بدون اجازه آنان یا اجازه قانون وارد شود. علی بن ابی طالب □ به خوبی لزوم مراعات این نکته را میدانست و از همین جا بود که می‌خواست دولت و حکومت، به این نمونه کامل از مظاهر آزادی، توجه بیشتری بنماید و در این باره سخنانی فرمود. از اوامر عمومی امام علی □ که مأموران خود در ولایات را به آن فرمان می‌داد، این دستور است:

... در سر راه، هیچ مسلمانی را مترسان، یا با زور از زمین او نگذر و افزون‌تر از حقوق الهی از او مگیر. هرگاه به آبادی رسیدی، در کنار آب فرود آی و وارد خانه کسی مشو. سپس با آرامش و وقار به سوی آنان حرکت کن تا در میانشان قرار گیری. به آنها سلام کن و در سلام و تعارف و مهربانی کوتاهی مکن.

سپس می‌گویی: «ای بندگان خدا، مرا ولی خدا و جانشین او به سوی شما فرستاده تا حق خدا را که در اموال شماست تحویل گیرم. آیا در اموال شما حقی است که به نماینده او بپردازید؟» اگر کسی گفت: نه! دیگر به او مراجعه نکن و اگر کسی پاسخ داد آری. همراهش برو بدون آنکه او را بترسانی یا تهدید کنی یا به کار مشکلی وادار سازی. هر چه از طلا و نقره به تو رساند بردار و اگر دارای گوسفند یا شتر بود، بدون اجازه‌اش داخل مشو که اکثر اموال از آن اوست. آن گاه که داخل شدی، مانند اشخاص سلطه‌گر و سخت‌گیر رفتار نکن. حیوانی را رم مده و هراسان مکن و دامدار را مرنجان...^۱

ظرایفی که در بیان امام، خطاب به جمع کنندگان مالیات، که علی القاعده از خشن‌ترین چهره‌های اجتماعی در آن دوران بودند، وجود دارد، بسیار قابل توجه است. اینکه بدون اجازه وارد حریم شخصی آنان نشوند، ادعایشان را درباره میزان بدهی مالیاتی‌شان به طور کامل و بدون تفحص بپذیرند و سخن آنان را راست بشمارند و بالاخره اینکه گام به گام به گونه‌ای رفتار کنند که رضایت مردم را به همراه داشته باشد و احترام آن‌ها را تضمین کند، نشانه آن است که آن حضرت به همان اندازه که در نگه‌داری و توزیع ثروت و اموال عمومی، عادل و سخت‌گیر است، به همان میزان نیز در حفظ حرمت و کرامت و حقوق مردم، با احتیاط و دقت عمل می‌کند.^{۴۲} امام در جای دیگر چنین می‌فرماید: «از درهای خانه‌ها وارد آن‌ها بشوید و آن کس که از درهای خانه‌ها وارد نشود، دزد نامیده می‌شود»، اگر این نص را به نص سابق اضافه نمایم، از مجموع هر دو، یک نص قانونی آشکاری را به دست می‌آوریم و آن اینکه: حریم خصوصی مسکن در مکتب امام علی^۳، تضمین شده است و به هیچ کس اجازه



داده نمی‌شود که بدون اجازه خود مردم، وارد خانه‌های شخصی آن‌ها بشود.^{۴۳}

دوم، کار: حفظ حریم خصوصی کار از دو جنبه مد نظر است. یک جنبه آن به حریم مکانی کار بر می‌گردد و در واقع، محل کار را مد نظر قرار میدهد و جنبه دیگر آن، حریم خصوصی کار از لحاظ ماهوی است؛ بدین معنا که به انسان اجازه داده شود که هر کار و پیشه و تجارتی را که بخواهد انتخاب کند و مطابق دلخواه خود عمل نماید و دیگری را حق تفتیش و بازجویی و دولت را حق ممانعت نباشد. البته امام، به این اکتفا نمی‌کند که این آزادی کار و عدم ممانعت را حق مردم بشمارد، بلکه او مراعات و جانبداری از وضع کارگر و پیشهور و بازرگان و کشاورز را یکی از وظایف دولت میداند و به استاندار خود در مصر دستور می‌دهد:

سپس سفارش مرا به بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر و آن‌ها را به نیکوکاری سفارش کن. بازرگانانی که در شهر ساکنند یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن می‌باشند و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می‌کنند؛ چرا که آنان منابع اصلی منفعت و پدید آورندگان وسایل زندگی و آسایش و آورندگان وسایل زندگی از نقاط دوردست و دشوار می‌باشند. از بیابان‌ها و دریاها و دشت‌ها و کوهستان‌ها، جاهای سختی که مردم در آن اجتماع نمی‌کنند یا برای رفتن به آنجاها شجاعت ندارند. بازرگانان، مردمی آرامند و از ستیزه‌جویی آنان ترسی وجود نخواهد داشت. مردمی آشتی طلبند که فتنه‌انگیزی ندارند. در کار آن‌ها بیندیش! چه در شهری باشند که تو به سر می‌بری یا در شهرهای دیگر. با توجه به آنچه که تذکر دادم.^{۴۴}

این سخنان به اضافه آزادی صنعت، پیشه، تجارت و کشاورزی، نتایج درخشانی دارد که از آن جمله است: ایجاد یک طبقه جدید از



طبقات مردم که در قبال تباهیهای طبقه اشراف و فئودالها، به پیشرفت و ترقی جامعه کمک و مساعدت می‌کند. در اروپا هم پیدایش طبقه پیشه‌ور و بازرگان، مرحله‌ای از آن مراحل بود که به سرنگون ساختن دوران رژیم فئودالیسم کمک فراوان کرد.^{۴۵}

سوم، اموال: اموال فرد نیز از مصونیت برخوردار است و نمی‌توان در آن بدون اجازه مالک تصرف نمود؛ چرا که مشمول عنوان غصب و تصرف عدوانی گشته و قانونگذار برای آن جرم انگاری کرده است. از دیگر مصادیق مورد احترام در دوران حکومت امام، اموال افراد می‌باشد. امام به کارگزاران مالیات خویش می‌فرماید: «برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی و مرکب سواری و برده کاری او را نفروشید و برای گرفتن درهمی، کسی را تازیانه نزنند و به مال کسی دست‌اندازی نکنید».^{۴۶} البته امام، حریم آن را مطلق نمی‌داند و می‌فرماید: «جز اسب یا اسلحه‌ای که برای تجاوز به مسلمان‌ها به کار گرفته می‌شود. زیرا برای مسلمان جایز نیست آن‌ها را در اختیار دشمنان اسلام بگذارد تا نیرومندتر از سپاه اسلام گردند».^{۴۷} علی □ در قسمت اخیر، که مصادره اموال را اجازه می‌دهد، بنا به دلایلی معقول، این کار را روا میداند که در آن مصالح عمومی نهفته است.

2. اسرار فرد

حفظ اسرار فرد از ابتدایی‌ترین حقوق وی به شمار می‌آید؛ آن چنان که نقض آن می‌تواند موجب آزار روحی و هتک حرمت او گردد. رازداری و سرپوش‌گذاری بر اسرار مردم، یکی از وظایف حاکم و از اصول حیاتی و انسان‌ساز اسلام است. علی، اساس سپردن راز را نگهداری

آن می‌داند و به این اصل مهم روانشناسی اشاره می‌فرماید که فلسفه راز، نگه داشتن آن است^{۴۸} و صاحب راز با اطمینان به مخاطب، آن را به او سپرده است. از این رو، امام، فاش کننده راز را به دلیل سوء استفاده از اطمینان وی، خائن می‌نامد^{۴۹} و افشاء اسرار را جزو زشتترین خیانتها و بی‌وفایی‌ها^{۵۰} می‌داند و به مخاطبان خویش توصیه می‌فرماید که از فاش کنندگان نباشید^{۵۱} و آن‌ها را از روش‌های اغیار^{۵۲} بر می‌شمارد و برای تحذیر مخاطبان، تهدید می‌نماید که هر که پرده از اسرار دیگری بر دارد، خداوند سبحان، پرده از اسرارش بردارد^{۵۳} و پوشیده‌های فرزندانش آشکار گردد^{۵۴} و از عدم حفظ راز و پیمان به عنوان یکی از نشانه‌های بدکاران یاد می‌کند.^{۵۵} امام برای توجه مردم به حفظ اسرار، به تشویق و برجسته‌سازی صفات نیک رازپوش می‌پردازد و او را وفاداری امین می‌نامد^{۵۶} که خصیصه حفظ اسرار در او نماینده خردمندی اوست.^{۵۷}

2. 3. حریم خصوصی در سیره امام

یکی از ویژگی‌های بسیار مهم در سیره امام علی[ؑ]، توأم بودن علم و عمل است. علی، همان گونه که در حفظ کرامت و شأن انسان‌ها و حقوق انسانی آن‌ها خداوندگار سخن است، در رعایت آن و پاسداشت حرمت آنان، خداوندگار عمل نیز هست. او در عمل به گفته‌های خویش، مقیدتر از سایرین است و هیچ کوتاهی را بر نمی‌تابد. در این مبحث، به حریم خصوصی در سیره امام، از لحاظ رفتاری و نیز آرای قضایی پرداخته می‌شود.



1. 2. 3. حریم خصوصی در سیره رفتاری امام با مخالفان

علی بن ابی طالب □ از آن افراد بی‌نظیر و نادری است که اگر حقیقت و واقعیت آنان را دور از سطح تقلیدی که ما بر اساس آن رجال و تاریخ خود را تجزیه و تحلیل می‌کنیم، بشناسیم، خواهیم دید که محور عظمت آنان، تنها در ایمان مطلق به کرامت و شرافت انسان و حق مقدس آن در زندگی آزاد و شرافتمندانه قرار دارد.^{۵۸} او کسانی را که بر ضدش توطئه می‌چیدند، فقط مورد توبیخ و سرزنش قرار داده؛ در حالی که قدرت داشت آن‌ها را از بین ببرد و نابود سازد.^{۵۹} از زشتی‌ها و بدی‌های دشمنانش، چیزهایی می‌دانست که دیگران نمی‌دانستند و او از آنان چشم پوشید و گفت: بهترین کارهای انسان بزرگوار، چشم‌پوشی از چیزهایی است که می‌داند.^{۶۰}

نخست: افرادی که با امام بیعت نکردند. علی □، آن چنان که در کلام برترش آمد، به عقیده توده احترام می‌گذارد و شرم داشت که آنان را به کاری وادار نماید که به آن اکراه دارند. از این رو به هنگام تصدی مقام خلافت و بیعت همگانی مردم با وی، کسی را به بیعت وادار نکرد و آرای آنان را نیز محترم شمرد. ابن ابی وقاص را نزد او آوردند. او حاضر نبود در جایی قدم بگذارد که گروهی از مسلمانان گذاشته بودند و بدون هیچ علت معقولی می‌گفت: «تا مردم بیعت نکرده‌اند، بیعت نمی‌کنم. به خدا قسم از جانب من بر تو باکی نیست». ^{۶۱} بر او خشمگین نشد. بلکه دلیل سستش را شنید، پس به مردم گفت: «رهاش کنید». همان اعتماد و اطمینانی را که به دوستانش می‌داد، به وی هم اعطا کرد.

دوم، کسانی که علیه امام جنگیدند. امام در دوران کوتاه حکومت خویش، با آشوب‌های داخلی عدیده‌ای مواجه شد که بر پاکندگان آن‌ها هر یک انگیزه‌های متفاوتی از برانگیختن آن داشته، اهداف و مطامع خویش را طلب می‌کردند. مطامعی که امام در رأس حاکم جامعه مسلمانان نخواست به آنان ببخشد و از اصول انسانی خویش عدول نماید. ناکثین، قاسطین و مارقین، عمده‌ترین جریانات مخالف امام بودند که هر یک در شعله‌ور شدن آتش یک جنگ، سهم بسزایی داشتند.

علی، برای ناکثین به عنوان اولین گروهی که جنگ داخلی را آغاز نمودند، سفیران و نامه‌های متعدد در جهت صلح نگاشت و یاران خود را از آغاز نمودن نبرد و نیز بدگویی از آنان بر حذر داشت و پس از شکست، جان و مال و حیثیت آنان را حفظ فرمود و حتی در این مسئله تا بدان جا پیش رفت که یاران خود را که به عایشه توهین کرده بودند مجازات نمود. علی در طی مسیر خود، اصول انسانی همواره مد نظر خود را به یارانش یادآوری کرد و برترین قواعد حقوق جنگ را به آنان آموخت. در خطبه‌ای طولانی به یارانش فرمود:

«چون آنان را شکست دادید، پشت به میدان کنندگان را تعقیب نکنید، از کشف عورتی خودداری کنید، کشته‌ای را قطعه قطعه نسازید، و چون به محل وسایل دشمن رسیدید، پوشیده‌ها را برملا نکنید، وارد خانه‌ای نشوید و چیزی از اموالشان بر ندارید.»^{۶۲}

علی^{۶۱}، بدان گونه که این سخنان را به شیوایی بیان می‌فرماید، با همان صلابت نیز به مرحله عمل می‌گذارد. وی در بحبوحه جنگ و نیز آن زمان که جنگی سخت در گرفته بود،



خواسته اش را به یارانش برای چندمین بار گوشزد کرد. ابو جعفر گوید: جنگ آغاز شد و سوی خندق روانه شدند و بر سر آن، جنگی سخت شد که به مرزگاه رسیدند، یاران علی وارد آن شدند و دیگران از آن بیرون شدند. علی بانگ زد: که فراری را تعقیب مکنید و زخمی را مکشید و وارد خانه ای مشوید. آن گاه گفت: هر که چیزی از مال خود را می شناسد، بگیرد و چنان شد که در اردو چیزی به جا نماند.^{۶۳}

در برخورد با قاسطین نیز امام از رفتن اتباع خود به سوی دشمن دیرینه اش معاویه و پیوستن به او، ممانعت نمی نماید و به کارگزار خود دستور می دهد که از رفت و آمد آنان جلوگیری نکند^{۶۴} و بدین گونه، نهایت احترام به انتخاب آنان را به جا می آورد. «من هرگز کسی را بر اساس اتهام مؤاخذه نمی کنم، بر پایه گمان به کیفر نمی رسانم و با کسی که به مخالفت با من برخیزد و به دشمنیم اقدام کند و عداوت خود را برایم آشکار سازد، نمی جنگم»^{۶۵} شیواترین بیان علی □ است که در آن به صورت جامع، حریم خصوصی همه جانبه مخالفان خود را مورد احترام و پذیرش قرار می دهد. از دید امام، بایستی برای حکومت، حدودی معین کرد و میزان دخالتش در زندگی توده را مشخص نمود و به تحدید اختیارات حکومت پرداخت.

□ سومین جریان، مارقین بودند. امام در برابر خوارج، نخست تلاش کرد آنان را از کژاندیشی باز دارد و به اندیشه صحیح و بالنده رهنمود سازد. سخنان فراوانی از امام همام، در این جهت، در دسترس است. امام تا زمانی که خوارج به حریم حقوقی اجتماعی و حقوق عمومی مردم تعرض نکرده

بودند، با آنها کاری نداشت. ایشان ضمن اشاره به فرقه‌ها، گروه‌ها و عقاید مذهبی آنها و نیز گروه‌هایی که بر رأی و تفسیر خود از مسائل مختلف می‌پرداختند، تنها به نکوهش و راهنمایی آنها اکتفا می‌نماید.^{۶۶} پس از نبرد و شکست سنگین خوارج، لوازم و غلام و کنیز آنان را به صاحبانش پس داد و در مورد مجروحانشان نیز فرمان داد تا آنان را مداوا نمایند.^{۶۷}

2. 2. 3. حریم خصوصی در سیره رفتاری امام با سایر اتباع حکومت

چنان که در مبحث قبل آمد، علی ، حریم خصوصی مخالفان خود و آزادی عقیده و حرمت مال آنان را مورد عنایت قرار داده و تا خود آغاز به جنگ نمی‌کردند، دست به سلاح نبرد. چنین شخصیتی که این گونه روشی را در مقابل دشمنان خویش اتخاذ می‌کند، به طریق اولی نسبت به سایر مردم همین برخورد را خواهد داشت. مدارا و احترام به خواست توده، چشم‌پوشی از خطای مردم در سیره علی، نوع بی بدیل احترام به کرامت بشری را متبادر به ذهن می‌نماید. در این خصوص به بررسی سیره امام در پاره‌ای موارد پرداخته می‌شود:

نخست، مصادیق فردی مد نظر است و از این دسته، یکی از مصادیق روانی به عنوان شاهد آورده می‌شود. از جمله این مصادیق، نفی تجسس و لزوم چشم‌پوشی از خطای مردم است. در خبر آمده است که روزی پیغمبر با جمعی از اصحاب خود نشسته بودند، ناگهان شخصی خدمت پیامبر رسید و عرض کرد: یا رسول الله، در فلان خانه، مردی و زنی به فساد مشغولند. پیامبر فرمود: این خبر تو را باید بررسی کنم و آنها را بخوادم ببینم مطلب چیست؟ چند تن



از صحابه که آنجا بودند، اجازه احضار آنها را خواستند، لکن پیامبر اسلام به هیچ یک از آنان اجازه نداد تا اینکه حضرت علی \square خدمت پیامبر رسید. آن گاه پیامبر به علی فرمود: یا علی، تو برو و ببین این ماجرا که می‌گویند درست است یا نه؟ علی آمد تا رسید به در خانه، آن گاه چشمان خود را بر هم گذارد و وارد خانه شد و دست بر دیوار داشت تا وقتی که گرد خانه گردید و بیرون آمد و چون خدمت پیامبر رسید، عرض کرد: من گرد آن خانه گشتم، ولی هیچ کس را آنجا ندیدم.

پیامبر دریافت که علی \square نمی‌خواهد آن دو را رسوا کند، لذا فرمود: «یا علی، تو جوانمرد این امتی». ^{۶۸} عملکرد امام به گونه‌ای بود که خطای خطاکاران را نبیند و به دیده اغماض بنگرد؛ چرا که او بیش از آنکه به پرده‌داری بیندیشد، به پرده‌پوشی عمل می‌کرد و تلاش همه عمرش این بود که حرمت بین انسان‌ها خدشه دار نگردد.

\square در بحث از حریم خصوصی سایر مردم، امام علاوه بر آنکه مصادیق فردی آنان را مد نظر قرار می‌دهد، از متعلقات فردی ایشان نیز غفلت نمی‌کند. برای مثال، اقدام امام \square را در جهت حفظ حرمت مسکن بیان می‌کنیم. مسکن در دید امام \square ، بسیار محترم بوده، کاملاً غیر قابل تعرض است. حضرت، مأذنه مسجد را به سبب اشراف بر خانه مردم تخریب کرد و فرمود: «لا یؤذن أكثر من سطح المسجد» ^{۶۹} بالاتر از بام مسجد اذان گفته نمی‌شود. امام علی، مأذنه مسجد را به دلیل آنکه تضييع حقوق و تجاوز به حریم شخصی است، تخریب می‌کند.

3. 2. 3. سیره امام در آرای قضایی

امام علی به عنوان حاکم جامعه مسلمین در پاره‌ای موارد به قضاوت نیز می‌پرداخت، گرچه برای این منصب مهم، قضاتی را منصوب می‌کرد که صلاحیت آن را داشته باشند و هم به کارگزاران خویش فرمان می‌داد قضاتی را برگزینند که واجد شایستگی‌های لازم باشند و در این مقوله نیز حریم خصوصی افراد و حذر از توجه به ظن و گمان را مورد تأکید قرار می‌دهد و می‌فرماید:

سپس از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن. کسانی که مراجعه فراوان، آن‌ها را به ستوه نیاورد و برخورد مخالفان با یکدیگر، او را خشمناک نسازد. در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد. طمع را از دل ریشه‌کن کند و در شناخت مطالب با تحقیق اندک رضایت ندهد و در شبهات از همه با احتیاط‌تر عمل کند و در یافتن دلیل، اصرار او از همه بیشتر باشد و در مراجعه پیاپی شاکیان خسته نشود.^{۷۰}

از نظر علی ، از عدالت به دور است کسی که بر اساس ظن و گمان خود، قضاوت کند. ممنوعیت سوءظن از رایج‌ترین اصطلاحاتی است که در آیات و روایات اسلامی درباره حریم خصوصی به کار رفته است.

کلینی از حضرت امام صادق روایت کرده: زمان خلافت امام در کوفه، هنگامی که در مسجد نشسته بود، چند نفری را به حضورش آوردند، آن‌ها متهم بودند که در روز ماه رمضان، به روزه‌خواری تظاهر می‌کردند. امام فرمود: آیا اتهام را می‌پذیرید، یعنی در روز ماه مبارک رمضان، افطار می‌نمودید؟ گفتند: آری، علی : شما یهود هستید؟... خیر، حتماً نصرانی هستید؟... خیر، پس به کدام یک از ادیان غیر اسلام، متدین



هستید؟... ما مسلمان هستیم،... پس حتماً مسافر هستید؟... خیر، مسافر نیستیم،... پس برای شما علتی است که موجب افطار شما شده است و ما از آن بی خبر هستیم و شما به حال خودتان از آن بیناترید و بر ما نیست که آن علت را بدانیم؛ زیرا خداوند می فرماید: بل الانسان علی نفسه بعبره، انسان به نفس خودش آگاه است. ... هیچ گونه علتی و دلیلی برای ما نیست که موجب افطار باشد. علیؑ خندید و گفت: بر وحدانیت حق و رسالت محمد 6 شهادت می دهید؟ ... بر یگانگی حق شاهد هستیم، ولی محمد، را به رسالت نمی شناسیم، فقط می دانیم محمد، مرد عربی بود و مردم را به سوی خود فرا می خواند. علیؑ فرمود: هرگاه اقرار کردید به گفته خود بار دیگر، شما را به قتل می رسانم.^{۷۱}

4. نتیجه گیری

علیؑ، پیشوایی بزرگ در ادب بود و نشانه اعجاز ادبی او **نهج البلاغه** است. در **نهج البلاغه** و نیز **غرر الحکم**، امامؑ، مصادیق حریم خصوصی را مد نظر قرار داده است. حق حیات از مهم ترین حقوق متعلق به حریم شخصی افراد است که امامؑ به یاران خویش دستور می داد حق مزبور را در خصوص تمامی افراد و به ویژه در مورد فراریان جنگی محترم شمرند و حیات زخمیان را به دیده احترام بنگرند. امامؑ، حریم بدنی مردگان را نیز لازم الرعایه می داند و مثله شدن را ممنوع می نماید. رعایت این حق در مورد افراد دشمن و نیز در صحنه جنگ، نمودار اعتقاد راسخ علیؑ به حریم جسمانی افراد است. از دیگر مواردی که امامؑ به آن اصرار می ورزد، رعایت حریم شخصی افراد از جنبه روانی است.

غیبت که در نظر امام □، خوی بدکاران است و امام، آن را خوراک سگ‌های دوزخ و تلاش ناتوان می‌شمارد، از جانب علی □ به شدت محکوم شده و حضرت، آن را تعدی به حریم شخصی فردی می‌داند که بدون اجازه وی سخن رفته است. علی □، سفارش می‌کند که انسان از لغزش‌های دیگران بگذرد و آن را به رخ افراد نکشد. امام □، حفظ آبرو و پوشاندن عیوب دیگران را نشانه جوانمردی میدانند. از جنبه اجتماعی نیز نهی افشای عیب دیگران به اصلاح جامعه می‌انجامد و افراد به جای تجسس در صفات و اعمال دیگران، خویشتن را مدّ نظر قرار داده و حریم خصوصی افراد از ارزیابی دیگران در امان می‌ماند. از موارد اساسی در مکتب امام علی □، آزادی عقیده است که از ملزومات ابتدایی حریم خصوصی عقیده می‌باشد و در مکتب امام □، هیچ انسانی به سبب عقیده مذهبی خود مورد آزار قرار نمی‌گیرد. در باب متعلقات فردی نیز، علی بن ابی طالب □ به خوبی لزوم مراعات حریم مسکن را می‌دانست و در خطبه‌ها و نامه‌های خود بر رعایت آن تأکید می‌فرمود، تا بدان جا که کارگزاران مالیاتی خویش را از ورود به منزل مؤدیان و نیز ورود به محل دام‌هایشان بر حذر می‌دارد. در منظر امام □، اموال افراد از مصونیت برخوردار است و نمی‌توان مردم را برای دریافت مالیات به فروش اموال وادار کرد. مصونیت اموال در دید امام، در موردی که این اموال مورد بهره‌برداری دشمن قرار گیرد و با آن به مسلمانان حمله شود، تحدید می‌یابد. علی □، حفظ حرمت اسرار افراد را نیز هم چون حرمت جان و اموال آنان لازم می‌داند و کارگزاران را فرمان می‌دهد که در



آنچه که مربوط به مصالح کشور نیست، کنجکاوی نکنند. علی، به همان گونه که در حفظ کرامت و شأن انسان‌ها و حقوق آنان خداوندگار سخن است، در رعایت این حقوق و پاسداشت حرمت آنان خداوندگار کردار نیز هست و آنچه را که می‌گوید خود، مقدم بر دیگران، به آن پایبند است. علی بن ابی طالب[□]، در رعایت حریم خصوصی مخالفان خویش، نهایت کوشش خود را به کار برد و هنگامی که به سخت‌ترین دشمنانش دست یافت، آنان را مورد عفو قرار داد. به اجبار، کسی را وادار به بیعت نکرد و خود، ضامن کسانی شد که با او بیعت نکردند.

بدین ترتیب، امام[□] در نهایت امکان کوشید به حفظ حریم خصوصی مخالفان و دوستان خویش اهتمام ورزد و نه تنها مردم را به حفظ این حق فراتاریخی فرا می‌خواند که خود، پیش از همه و بیش از دیگران در اعمال آن کوشا بود. گرچه مصادیقی که در دنیای امروز در باب این حق وجود دارد، بیش از مصادیق حریم خصوصی در زمان امام[□] می‌باشد، اما این توسعه، طبیعت جامعه بشری است که رو به تکامل و پیشرفت است و فناوری امروزه، چنین اقتضایی را بر می‌تابد. با این وجود، در اصل این حق فراتاریخی در مقایسه با دوران امام، صرف نظر از مصادیق آن، تغییری صورت نپذیرفته و اگر چه امروزه، عبارت خاص حریم خصوصی وجود دارد و در بیان امام[□] از این اصطلاح استفاده نشده است، اما این مطلب نمی‌تواند موجب شود که بپنداریم علی[□] در رعایت این حق اساسی، اهمال نموده، بلکه امام به رعایت این حق بشری پایبند بوده و آن را در نهایت خویش، اعمال می‌فرمود.

پینوشتها

۱. سیدمحمد هاشمی، *بررسی مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، زیر نظر دکترمحمد آشوری (تهران: نشر گرایش، ۱۳۸۲) ص ۱۵۴-۱۵۵.
۲. باقر انصاری، *حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام*، تطبیقی و ایران، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۶، ۱۳۸۳، ص ۱.
۳. همان، ص ۱۳.
۴. باقر انصاری، *پیشین*، ص ۵.
5. ———, *Privacy (Stanford Encyclopedia of philosophy)*, First Published, Tue May 14, 2002; substantive revision Mon Sep 18, 2006.
6. Westin, Alan (1968), *Privacy and Freedom*, New York: Atheneum, p 8.
7. Edward J. Bloustein, (1964), *Privacy as an Aspect of Human Dignity: An Answer to Dean Prosser*, New York University Law Review, p.p. 992 ° 1007.
۸. باقر انصاری، *مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی* (تهران: اداره چاپ و انتشار معاونت پژوهش و تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، ۱۳۸۱) ص ۱۶۱.
۹. محمد دشتی، *ترجمه نهج‌البلاغه* (قم: انتشارات مشرقین، ۱۳۷۹) چ چهارم، ص ۵۶۷.
۱۰. جرج جرداق، *شگفتیهای نهج‌البلاغه*، ترجمه و نگارش: فخرالدین حجازی (تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۳۶) ص ۱۴۳ - ۱۴۲.
۱۱. محمد بن جریر طبری، *تاریخ طبری: تاریخ الرّسل و الملوک*، ترجمه: پاینده ابوالقاسم (تهران: انتشارات اساطیر، چ پنجم، ج ۶، ص ۲۵۲۲).
۱۲. محمد باقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۶۸، ص ۱۶.
۱۳. حسن عبدی‌پور، *فرهنگ غیبت در اسلام* (قم: نشر اقلیم، ۱۳۷۶) ص



۱۴. عبدالواحد آمدی، **غرر الحکم و درر الکلم**، ترجمه: محمد علی انصاری، ویرایش و تصحیح: مهدی انصاری قمی (تهران: نشر امام عصر، ۱۳۸۰) ص ۶۰، الغیبه آیه المناق: سخن ۹۴۱.
۱۵. لا تعود نفسك الغیبه فان معتادها عظیم الجرم: **همان**، ص ۶۱۵، سخن ۷۴۶۶.
۱۶. لامرؤة لمغتاب: **همان**، ص ۶۳۱، سخن ۷۶۰۵.
۱۷. ألام الناس المغتاب: **همان**، ص ۲۱۴، سخن ۲۹۰۷.
۱۸. عادہ اللئام قیح الوقیعه: **همان**، ص ۵۱۳، سخن ۶۱۷۲.
۱۹. أبغض الخلائق الی الله المغتاب: **همان**، ص ۲۲۸، سخن ۳۱۲۹.
۲۰. إیاک و الغیبه فإنها تمقتک إلی الله و الناس و تحبط أجرك: **همان**، ص ۱۸۸، سخن ۲۶۳۱.
۲۱. السامع للغیبه أحد المغتائب: **همان**، ص ۹۸، سخن ۱۶۲۶.
۲۲. اجتنب الغیبه، فإنها إدام کلاب النار، محمد باقر مجلسی، **بحار الانوار**، ص ۲۴۸.
۲۳. الغیبه، جهد العاجز: آمدی، **پیشین**، ص ۶۷، سخن ۱۱۰۵.
۲۴. محمد محمدی ری شهری، **میزان الحکمه**، ترجمه: حمید رضا شیخی، میزان الحکمه (قم: نشر دارالحديث، ۱۳۷۹) ج ۹، صص ۴۴۷۵-۴۴۷۴ و شیخ مفید، الاختصاص (تهران: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۸ هـ ق) ص ۲۲۵.
۲۵. محمد بن علی بن بابویه قمی شیخ صدوق، **الامالی** (بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ هـ ق) ص ۲۲۹.
۲۶. الخائن من شغل نفسه بغير نفسه؛ **همان**، ص ۱۳۸، سخن ۲۰۱۹.
۲۷. إیاک و معاشره متبعی عیوب الناس فإنه لم یسلم مصاحبهم منهم؛ **همان**، ص ۱۸۹، سخن ۲۶۴۸.
۲۸. إن للناس عیوباً فلا تكشف ماغاب عنک فإن الله سبحانه یحلم علیها؛ **همان**، ص ۲۶۲، سخن ۳۵۰۲.
۲۹. أفضل المروه، إستبقاء الرجل ماء وجهه؛ **همان**، ص ۲۳۰، سخن ۳۱۵۶.
۳۰. تجاوز عن الزل و أقل العثرات ترفع لك الدرجات؛ **همان**، ص ۳۷۰، سخن ۴۵۵۳.

۳۱. واستر العوره ما استطعت یستر الله علیک ما تحب ستره: **همان**، ص ۲۶۲، سخن ۳۵۰۲.
۳۲. محمد دشتی، **پیشین**، ص ۲۶۱ - ۲۶۰.
۳۳. **همان**، نامه ۵۳، صص ۶۷۸-۶۷۹.
۳۴. حسین سلیمی، **سیاست از منظر امام علی** (تهران: مرکز چاپ و انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۸۱) ص ۸۳.
۳۵. محمد دشتی، **پیشین**، ص ۵۷۱ - ۵۷۰.
۳۶. **همان**، ص ۵۶۷.
۳۷. زین العابدین قربانی، **منشور مملکت داری در نامه امام علی به مالک اشتر** (رشت: انتشارات سلار، ۱۳۸۶) صص ۲۱۱-۲۱۲.
۳۸. جرج جرداق، **امام علی، صدای عدالت انسانی**، ترجمه سید هادی خسروشاهی، **پیشین**، ج دهم، ص ۲۴۹.
۳۹. **همان**.
۴۰. محمد دشتی، **پیشین**، ص ۱۱۱، خطبه ۶۱.
۴۱. **همان**، ص ۵۰۵، نامه ۲۵.
۴۲. حسین سلیمی، **پیشین**، ص ۱۴۵.
۴۳. جرج جرداق، **پیشین**، صص ۴۰-۳۹.
۴۴. محمد دشتی، **پیشین**، ص ۵۸۳ - ۵۸۲، نامه ۵۳.
۴۵. جرج جرداق، **پیشین**، صص ۴۱-۴۰.
۴۶. محمد دشتی، **پیشین**، ص ۵۶۵، نامه ۵۱.
۴۷. **همان**.
۴۸. الرأی بتحصین الاسرار: **آمدی**، **پیشین**، ص ۶۷، سخن ۱۱۱۳.
۴۹. إذاعه سرّ أودعته غدر: **همان**، ص ۷۱، سخن ۱۱۹۹.
۵۰. من أقیح الغدر إذاعه السرّ: **همان**، ص ۷۹۷، سخن ۹۹۲۶.
۵۱. لا تکنونوا مذاایع: **همان**، ص ۶۳۰، سخن ۷۵۸۹.
۵۲. الأذاعه شیمه الغیار: **همان**، ص ۶۷، سخن ۱۱۱۴.



۵۳. من بحث عن اسرار غده أظهر الله سبحانه أسرارہ: **همان**، ص ۷۵۸، سخن ۹۴۶۶.
۵۴. من كشف حجاب أخيه انكشف عورات بنیه: **همان**، سخن ۹۴۶۹.
۵۵. لالفجور صیانه: **همان**، ص ۶۶۶، سخن ۸۱۸۷.
۵۶. کاتم السر وفيّ امین: **همان**، ص ۵۹۰، سخن ۷۱۶۴.
۵۷. يستدل علی العاقل بأربع: بالحزم و الإستظهار و قله الاغترار و تحصين الاسرار: **همان**، ص ۸۷۴، سخن ۱۰۸۰۸.
۵۸. جرج جرداق، **امام علی، صدای عدالت انسانی: علی و حقوق بشر**، ترجمه سید هادی خسروشاهی (تهران: نشر خرم، ۱۳۷۵) ج اول، ص ۲۸.
۵۹. **همان**، ص ۶۵.
۶۰. **همان**، ص ۶۷.
۶۱. ابن شبه، **تاریخ المدینة المنوره** (مدینة المنوره: ۱۴۱۳ ق) ج اول.
۶۲. طبری، **پیشین**، ص ۲۴۰۸.
۶۳. **همان**، ص ۲۴۱۴.
۶۴. محمد دشتی، **پیشین**، ص ۶۱۳، نامه ۷۰.
۶۵. عبدالمقصود عبدالفتاح، **الامام علی بن ابی طالب: تاریخ تحلیلی نیم قرن اول اسلام، نظام برابری**، ترجمه: سید محمد مهدی جعفری (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۶) ج ۷، ص ۱۴ - ۱۳.
۶۶. محمد دشتی، **پیشین**، خطبه ۸۸.
۶۷. علی احمدی، **الاسیر فی الاسلام** (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ ق) ص ۲۳۴.
۶۸. محمد بن مرتضی المدعو، **محجة البیضاء**، ترجمه محسن کاشانی (تهران: نشر اسلامی، تهران) ص ۲۷۷؛ محمدرضا رمزی اوحدی، **۱۰۰۱ داستان از زندگانی امام علی** (تهران: انتشارات سعید نوین، ۱۳۷۹) چ سوم، ص ۷۳.
۶۹. قاضی نعمان، **دعائم الاسلام** (قاہرہ: دارالمعارف) ج ۱، ص ۱۴۷.
۷۰. محمد دشتی، **پیشین**، نامه ۵۳، ص ۵۷۷.

۷۱. ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی، **اصول کافی**، ترجمه سید جواد مصطفوی (قم: انتشارات مسجد چهارده معصوم: محمد تقی شوشتری، **علی؛ برترین قاضی**، ترجمه ابوالفضل دیباجی (تهران: انتشارات سعیدی، ۱۳۶۲) ص ۴۱۹-۴۱۸.

